

## فردین علی خواه\*

### دین و تغییرات اجتماعی از دیدگاه ماکس وبر

اندیشمندان جوامع مختلف از سده‌های پیش، پیدایش تغییرات اجتماعی را محصول عوامل گوناگونی دانسته‌اند. عده‌ای از این اندیشمندان این عوامل را در محیط طبیعی و جغرافیایی می‌جسته‌اند. از تابعین این عقیده می‌توان از "کارل رینر"<sup>۱</sup>، "هومبولست"<sup>۲</sup>، "منتسکیو"<sup>۳</sup>، "راتزل"<sup>۴</sup> نام برد. راتزل شرایط طبیعی را عامل قطعی و تعیین کننده رویدادهای جامعه‌های انسانی و پدیده‌های جغرافیایی می‌داند. او مطالعه جغرافیای انسانی را جز آزمون در جهت فهم تأثیرات محیط روی افکار و اندیشه‌ها و شکل‌یابی جوامع انسانی نمی‌داند.<sup>۵</sup> برخی دیگر از اندیشمندان به عامل "قهرمان و نخبه"<sup>۶</sup> در ایجاد تغییر و تحول اجتماعی عقیده داشته‌اند. بزعم آنان قهرمان نقش قاطعی در تعیین سرنوشت تمدن و تحولات دارد. "هگل"<sup>۷</sup> و

"نیچه"<sup>۸</sup> رامی توان درخشان ترین ستارگان این آسمان اندیشه نام بود. بزعم اینان "قهرمان باید اصلی ترین عامل تکامل و پیدایش تاریخ باشد"<sup>۹</sup> و عقیده دارند تاریخ تنها بیوگرافی راستین است.<sup>۱۰</sup> "امرسون"<sup>۱۱</sup> می گفت: شماده شخصیت بزرگ را به من بدهید تا من تاریخ را بدون اینکسه بخوانم برایتان بازگو کنم.<sup>۱۲</sup>

می بینیم که هر یک از این دیدگاهها به عاملی خاص و یگانه توجه داشته اند و شماری دیگر از آنان با وقوف به چندین عامل موجب تغییرات اجتماعی، به عامل مسلط توجه بیشتری مبذول داشته اند. از جمله چابکسواران دشت تفکرات جامعه شناسی که به تبیین عوامل بوجود آورنده تغییرات اجتماعی پرداخت باید از ماکس وبر<sup>۱۳</sup> (۱۹۲۰-۱۸۶۴) نام برد. این جامعه شناس آلمانی که نقشی بس مهم در پیشرفت و تعالی علم جامعه شناسی داشت مطالعات دامنه داری را درباره موضوعات مورد بحث جامعه شناسی انجام داده است. از جمله این موضوعات، دریافت نقش رفورم مذهبی "پروتستانیسیم"<sup>۱۴</sup> قرن شانزدهم در بوجود آوردن آنچه که وی "روح سرمایه داری"<sup>۱۵</sup> نامیده است، می باشد. قبل از شکفتن نظریات وبر، نظریه غالب درباره تبیین تغییرات اجتماعی، تئوری مارکسیستی تبیین تغییرات بود. این نظریه که کارل مارکس<sup>۱۶</sup> (۱۸۸۳-۱۸۱۸) مبداء آن بود بر این اساس استوار بود که با دگرگونی ساخت اقتصادی، تمام "روبنای جامعه"<sup>۱۷</sup> دیرپا سازود دگرگون می شود. به بیان دیگر، برخورد دیالکتیکی میان ساخت اقتصادی و ساخت غیر اقتصادی موجب تکامل اجتماعی می گردد.<sup>۱۸</sup> بزعم اندیشمندان این حوزه، عامل اقتصادی بعنوان "زیر ساخت"<sup>۱۹</sup> جامعه محسوب می گردد و اخلاق، فرهنگ، مذهب (روینا) تماما "تأثیر پذیرنده از زیر ساخت اقتصادی هستند. بزعم مارکس "دگرگونی اجتماعی حاصلی تأثرو تا تأثیر نیروهای اقتصادی است."<sup>۲۰</sup>

به عقیده صاحب نظران نظریه وبر درباره نقش مذهب در رشد روحیه

سرمایه‌داری دقیقاً "واکنشی بر نظریه مارکس بوده است.<sup>۲۱</sup> به سخن دیگر و بر درجه‌گیری علیه مارکس قصد داشته تا روشن نماید که دین نه تنها مانعی در جهت "عقلانی شدن" و توسعه اقتصادی محسوب نمی‌شود، بلکه در جهت عکس می‌تواند عامل مهمی قلمداد گردد که سبب ایجاد رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی باشد. در نظر و بر دین به عنوان یک پدیدار اجتماعی و عامل قابل ملاحظه تلقی می‌گردد که در محاسبات پیشینیان کمتر از اندازه به حساب گرفته شده بود.<sup>۲۲</sup> در اینجا باید به نکته‌ای اشاره کرد و آن اینکه و بر خود شخصی مذهبی و معتقد به مذهب نبود. عبارت دیگر همان‌طور که خود اشاره دارد نسبت به موسیقی مذهب کراست.<sup>۲۳</sup> او علاقه شدیدی به جامعه‌شناسی مذهبی دارد. جامعه‌شناسی مذهب گرچه ادیان را مورد مطالعه قرار می‌دهد ولی در صد نیست تا حقانیت و یانادرستی ادیان را زیر ذره بین ببرد بلکه بزعم و بر جامعه‌شناسی دینی "به رفتار معنی دار انسان دینی می‌پردازد".<sup>۲۴</sup> آنچه مطرح است درک تأثیری است که رفتار دینی بر رفتارهای دیگر اخلاقی و اقتصادی و سیاسی یاهنری دارد.

در بیان آنچه که باعث پیدایش "روحیه سرمایه‌داری" گشت و بر معتقد است که این روحیه تنها و "منحصراً" "از جریان رفورم مذهبی منتج نشده است، عبارت دیگر عواملی چند در بروز این روحیه دخیل بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به رفورم مذهبی اشاره نمود.<sup>۲۵</sup>

در بسیاری از موارد و بر خود با این عقیده کسانی که صرفاً "جنبش اصلاح مذهبی رایگانه عامل موجد روحیه سرمایه‌داری می‌دانند مخالف است کرده است، چنانچه خود می‌گوید ما قصد نداریم نظریه دستوری و احمقانه‌ای (نابخردانه) را بپذیریم که می‌گوید روح سرمایه‌داری به مفهومی که بیان شد می‌تواند فقط ناشی از تأثیرات نهضت دین باشد.<sup>۲۶</sup>

و بر در کتاب "اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری" <sup>۲۷</sup> هدف خود را این چنین قرار می‌دهد که بیان میدارد جنبش رفورم مذهبی تا چه اندازه در رشد و توسعه جامعه زمان اونقش داشته است. او خود را این باره می‌گوید:

"کوشش ماصرفا" درجهت روشن کردن نقشی است که نیروهای درونسی درمیان مجموعه کنش های متقابل عوامل تاریخی متعدد در شکل دادن به شبکه درحال توسعه فرهنگ جدید دنیوی خاص دوران ماداشته اند." ۲۸

و برسپس می افزاید "بنابراین می خواهیم بدانیم که برخی خصلت های ویژه این فرهنگ را تاچه حدی توان به نهضت اصلاح دین نسبت داد." ۲۹

و بر در کتاب اقتصاد عمومی خود عواملی چند را نام می برد که سبب توسعه سرمایه داری گشته بود از جمله مواردی که و بر آنها را مدنظر قرار می دهد:

۱- فرآیند صنعتی شدن از طریق جایگزینی اشکال جدید انرژی به جای

نیروی عضلانی

۲- ظهور نیروی کار آزاد که متشکل از برده یا سرف نبود

۳- افزایش کاربرد روشهای محاسباتی عقلانی در تعهدات صنعتی

۴- ظهور یک بازار آزاد از محدودیت های غیر عقلانی دست و پاگیر

۵- تحصیل تدریجی و مشروعیت یک نظام قانونی قابل اعتماد

۶- افزایش تجارت پیشگی زندگی اقتصادی از طریق اوراق سهام و دیگر

اوراق بهادار

۷- ظهور روحیه سرمایه داری . ۳۰

و بر در نظرات خود عامل اخیر را بیشتر از بقیه عوامل دیگر با اهمیت قلمداد می نماید. بزعم او روحیه سرمایه داری بیشترین نقش را در مجموعه عوامل ذکر شده ایفاء نموده است. لازم است تا در اینجا افزون تر به تشریح آنچه که و بر روح سرمایه داری می نامید، بپردازیم. و بر عقیده دارد که روح سرمایه داری صرفا "در جمع آوری ثروت محدود نمی گردد. چنانچه اگر روحیه سرمایه داری را در جمع آوری ثروت بدانیم و یا به عبارت دیگر حرص در جمع آوری ثروت قلمداد نمائیم در دوران قبل از فرورم مذهبی نیز می توان شاهد این روحیه بود. آنچه که و بر بدان "روحیه سرمایه داری" می نامد چیزی جدای عطش جمع آوری ثروت و مال است. ۳۱ او خود می گویند:

" تفاوت روح سرمایه داری و روح ماقبل سرمایه داری در میزان توسعه

ثروت انداوی نیست زیرا روحیه ثروت اندوزی از آغاز تاریخ وجود داشته است. بعنوان مثال افرادی که حدود حدودی برای ثروت اندوزی نمی شناختند مانند دریا نوردان هلندی که در جستجوی طلا خود را به آب و آتش می زدند.<sup>۳۲</sup> و بر سپس توضیح می دهد که نمی توان این خصیصه را که امروز روح سرمایه داری قلمداد می شود، نامید. او آنچه را که روح سرمایه داری می نامد چنین تعریف می نماید: "ما عبارت روح سرمایه داری (جدید) را به معنی ایستاری که در جستجوی منظم و عقلانی سود است بکار بریم".<sup>۳۳</sup> بزعم وبر روحیه سرمایه داری بصورت فرآیند هیستمتاتیک و منظمی عمل می نماید که بطور حسابگرانه در جهت کسب سود تلاش می نماید. پیش از پیدایش آئین پروتستان در غرب اواخر قرن پانزدهم میلادی آئین کاتولیک و نظام کلیسایی سخت حاکم بود بطوری که کلیسا در بسیاری از مسائل و امور دخالت می نمود و با سختگیری و خشونت با نظرات و گرایش هایی که کمی با عقاید و خواسته های کلیسا ناممکن می نمود، برخورد می کرد. حتی دانشمندان و متفکرین نیز از این قاعده مصون نبودند. شاید سخن کشیش "باواری"<sup>۳۴</sup> گواه مدعی فوق باشد. این کشیش در سال ۱۸۷۲ می گوید: "همان اندازه که آسمان فوق زمین است ما کشیشان نیز فوق امپراطور هستیم" شاهزادگان قرارداداریم مقام ما از فرشتگان آسمان هم برتر است زیرا ما به جای خداوند می توانیم گناه مردم را ببخشیم."<sup>۳۵</sup>

کلیسا در دوران قبل از رفرم مذهبی چنین می گفت که "انسان از سوی اجداد خود گناهکار است و برای رهایی از گناه باید به کلیسا و آئین کلیسا متوسل شود و به کلیسا و دستورات آن بعنوان واسطه و ناظری برای جلب بخشایش و غفران خداوندی نیازمند است."<sup>۳۶</sup> بدین لحاظ کلیسا معتقد بود که اگر بندگان خداوند خواستار بخشودگی از طرف خداوند هستند باید آنها را میان خود و خدایشان واسطه قرار دهند تا این کشیشان از خداوند برای آنان آموزش بخواهند. ولی این امر منجر به سوء استفاده بسیاری از کشیشان گردید، بدین صورت که کشیشان شروع به تکثیر و ارائه حواله هایی

به اشخاص - که به اصطلاح می‌خواستند به گناه خود اعتراف نمایند - کردند. افراد با خرید این حواله‌ها و پرداخت مبلغی پول می‌توانستند به گفته کشیشان از غفران خداوند بهره‌مند شوند. جو فکری و نوع القائات مذهبی که کلیسایی در نشر آنها داشت عمدتاً "باخرافات توأم بود. آئین کاتولیک بعنوان مذهب و نکرشی که کلیسای آن دوران سعی در ارائه و عرضه آن به مردم داشت زندگی دنیوی را بسیار مورد تحقیر قرار می‌داد. به عبارت دیگر بزعم برداشت های کشیشان کاتولیک امور بدو دسته تقسیم می‌شد، یک قسم شامل امور دنیوی می‌گشت که اموری پست قلمداد می‌گردید و افرادی کسه بدنیاال آن هامی رفتند وقت خود را صرف پرداختن به امور پست و ناچیز دنیوی کرده بودند و عاقبت ناخوشایندی در آخرت نصیبشان خواهد شد. قسم دیگر از امور شامل امور اخروی می‌گشت که اموری بودند عالی و ستوده. افرادی که به این دنیا پشت پازده و آنرا به تمامی پوج می‌شمردند و تمام جهد خود را صرف بدست آوردن امور اخروی می‌نمودند افرادی بودند متعالی و تکامل یافته. آنچه روشن است یک نوع آخرت گرایی صرف، مورد قبول کلیسای کاتولیک آن دوران بود، منظور از آخرت گرایی یعنی "خراب کردن دنیا برای آخرت. یعنی در زندگی دنیوی جز به کار آخرت نپرداختن، آخرت گرایی این است که کسی می‌تواند تکامل و تعالی انسانی و روحی کسب کند که پیوندش را با غرایز حیوانیش، با زندگی مادیش، با ثروت یا قدرت اقتصادی و اجتماعی و با هر چه که در این زندگی خاکی به فرد یا جامعه انسانی لذت می‌بخشد، ببرد." <sup>۳۷</sup> عبارت دیگر باید یا این جهان را برکزینیم یا جهان اخروی را. و بر خود در این باره می‌گوید که حتی کاتولیک های آلمانی هم از روند کلی مستثنی نبوده برخلاف سایر اقلیت هادر زمینه اقتصاد فعالیت چشمگیری نداشته‌اند، کاتولیک ها در هلند و انگلیس حتی در دورانی که تحت فشار سیاسی قرار داشتند علاقه خاصی به فعالیت اقتصادی نشان ندادند." <sup>۳۸</sup>

و بردار دامه سخنانش اشاره می‌نماید که در واقع اختلاف آئین کاتولیک

بارفورم مذهبی در باورهای مذهبی بوده و تنهانشی و تأثیر پذیرفته از وضعیت سیاسی و تاریخی نبوده است. چنین برداشتها و تفاسیری از مذهب بوده که کم کم کسانی را وادار به اعتراض بر علیه وضعیت مذهبی حاکم نمود.

مارتین لوتر<sup>۳۹</sup> ( ۱۵۴۸ - ۱۴۸۳ ) رفورم مذهبی اهل آلمان متولد " آیس لین " ، در آلمان به پدر رفورم مذهبی معروف است.<sup>۴۰</sup>

اعتراضات لوتر به وضعیت حاکم بر کلیسا منجر به تجدید نظر و پیدایش تغییرات وسیع در نوع نگرشهای مورد عرضه آئین کاتولیک شد و همیسن اعتراضات و اصول او آئین جدیدی را که بنام " پروتستانسیسم " می شناسیم پایه گذاری نمود.

پروتست یعنی اعتراض و پروتستانها " روشنفکران مسیحی اروپا بودند که نسبت به طرز تلقی مذهبی و انحرافات و خرافات مذهب مسیحی و میانجیگری کلیسا بین خلق و خدا به کلیسا اعتراض نمودند و یک رفورم مذهبی در مسیحیت بوجود آوردند."

لوتر ابتدا اعتراضات خود را به موضوع میانجیگری کلیسا بین خلق و خدا ایراد نمود. او در این مورد می گوید: در ارتباط بین خالق و مخلوق ایمان نقش اساسی دارد و رستگاری ناشی از غفران خداوندی است و اعمال نیک نیز دلیل بر عنایت پروردگاری باشد و برای مشمول شدن به رحمت خداوندی ایمان به خداوند و پیروی از دستورات انجیل ضروری است.<sup>۴۱</sup> لوتر در ادامه با اشاره به عدم ضرورت تبعیت اشخاص از کلیسا می گوید: با توجه به اینکه پاپها و اعمال کلیسا از مقام و موقعیت خود سوء استفاده می کنند ( در زمان لوتر ) و از طریقت فقر و خویششن داری مسیح منحرف گردیده اند. برای رستگاری ، پیروی از فرامین کلیسا ضرورتی ندارد بلکه اطاعت از فرامین کتاب مقدس کافی است.<sup>۴۲</sup>

لوتر معتقد بود که میان مردم و روحانیت مسیحی تفاوتی وجود ندارد و وجه تمایزی که اعمال کلیسا برای خود قائلند غیر اصولی است. مردم باید برای رسیدن به واقعیات آئین مسیح به متن انجیل آگاهی پیدا کرده و از تعالیم آن پیروی نمایند.

کوشش دیگر لوتر معطوف به تغییر دادن نگرشها و برداشتهای مردم آن دوره در مورد کار بود. همانطور که پیش از این بدان اشاره نمودیم کلیسای دوران لوتر امور دنیوی را که کاررانیز شامل می‌گشت پست می‌شمرد. لوتر عقیده‌ای خلاف این برداشت را ارائه نمود. او می‌گوید: " کاریکی از مهمترین اشکال خدمت به خدای بزرگ است."<sup>۴۳</sup>

و بر این نکته پافشاری می‌نمود که تمام حرفه‌ها و پیشه‌های شرافتمندانه دست کم در همان حد روحانیت کلیسایی و حرفه کشیشی نوعی رسالت مسیحی اصیل شمرده می‌شود.<sup>۴۴</sup> لوتر معتقد بود که انسان‌های مفید بودن و انجام دادن کار موثر خود یکی از نمودهای انجام کامل اعمال مذهبی است. و بر در این باره با اشاره به اینکه بزعم لوتر کار مفید تریکی از جلوه‌های تحقق وعده خداوند و یک نشانه برگزیدگی مبتنی بر زندگی زاهدانه توأم با تقوا است می‌گوید: " موفقیت در کار رسالت شخصی راتحکیم می‌کند و به عنوان تأیید برگزیدگی تفسیر می‌گردد، زیرا تنها بنده برگزیده خداست که صاحب یک کار ثمربخش است."<sup>۴۵</sup>

و بر در ادامه نظرات مارتین لوتر می‌افزاید. " بنابراین نمی‌توان رستگاری خود را با خبرات و دعا خرید بلکه می‌توان از آن در پرتو کار سازی ایمان که موفقیت در کسب و کار گواه صادق آن است اطمینان حاصل کرد.<sup>۴۶</sup>

و بر در نظریات خود با اشاره به عاملی که باعث ایجاد روح سرمایه‌داری (به اصطلاح او) شد، می‌گوید که اگر لوتر به کار و کوشش و تلاش انسان در زندگی دنیوی ارج می‌نهد و او را تشویق به جمع‌آوری ثروت می‌نماید با اینحال انسان را از غرق شدن در لذات و خوشگذرانی بی‌پرده باز می‌دارد. و بر اساس نظرات لوتر در این باره می‌گوید که: " آنچه محکوم شدنی است تحصیل ثروت نیست بلکه استراحت در تملک و لذت بردن از ثروت با پی‌آمدهایش چون تن‌آسایی و هوسهای نفسانی است."<sup>۴۷</sup>

و بر سپس با اشاره به اینکه کار از نظر " پورترین "ها<sup>۴۸</sup> عبادت خدا شمرده می‌شود ادامه می‌دهد که " بدین ترتیب بهره‌وری بیشتر در کار و نفسی



تجمل به پیدایش سبکی در زندگی انجامید که مستقیماً "روح سرمایه‌داری را در ایجاد یک جوّ سالم و مساعد برای توسعه‌اش تحت تأثیر قرارداد." ۴۹

شخص دیگری که از جمله اصلاح‌گران مذهبی شمرده می‌شود ادا مه‌دهنده و ترویج دهنده نظرات لوتر در فرانسه شد "ژان کالون" ۵۰ (۱۵۶۴ - ۱۵۵۹) است. او یکی از مصلحان مذهبی با پروتستانها مراد شده و به آئین پروتستان گرویده بود. او در فرانسه در سال ۱۵۳۲ شروع به نشر عقاید خود نمود. ۵۱

آنچه که ویرا اخلاق پروتستان می‌نامد اساساً "از دریافت معینی از این مذهب ناشی می‌شود که توسط کالون عرضه شده و ویرا تحت عناوین زیر خلاصه می‌نماید:

- ۱- یک خدای مطلق ماوراء عالم وجود دارد که جهان را آفریده و بر آن حکم فرماست اما ذهن محدود آدمیان قادر به درک این خدانیست.
- ۲- این خدای قادر و ناشناخته، تقدیر هر یک از ما را از لحاظ رستگاری یا عذاب از ازل تعیین کرده و اعمال مادر تغییر حکم خداوند تأثیری ندارد.
- ۳- خدا جهان را بخاطر کبریا ی خویش آفریده است.
- ۴- انسان اعم از رستگاری محکوم به عذاب ابدی در حال و طیفسه دارد به خاطر کبریا ی الهی کار کند و قلمرو خداوندی را در روی زمین بیافریند.
- ۵- امور دنیوی طبع بشری که از گوشت و پوست ساخته شده همه در حیطه گناه و مرگ قرار دارند و رستگاری انسان فقط موهبتی کاملاً "اعطایی" از لطف خداوندی است. ۵۲

بزم کالون سر نوشت افراد از ازل تعیین شده است اما فقط برگزیدگان محدودی به بهشت راه خواهند یافت، و فرد به هیچ وجه نمی‌تواند از پیش مطلع شود که جزء برگزیدگان است یا نه؟ این معتقدات الهی سبب ایجاد اضطراب شدید در میان کالونست‌ها می‌شد و آنان برای کاهش میزان اضطراب و اطمینان از اینکه جزء برگزیدگان هستند چنان رفتار می‌کردند که گویی از جمله بهشتیان خواهند بود (و) این امر در درجه اول به معنی نظم و ترتیب در برنامه زندگی است. ۵۳

در مقایسه لو ترو کالون باید گفت که طبیعت لو تری بیشتر به اعتسـدال نزدیک بود و در عقاید لو ترو آزادی فردی و آزادی عقیده مشهودتر است. ۵۴

و بر به جهت اینکه به شیوه بهتری نقش دین را در ایجاد تغییرات شگرف اجتماعی و اقتصادی در غرب نمایان سازد این کشورها را به سه دسته تقسیم می‌نماید:

- الف) کشورهای که اکثریتشان پروتستان هستند. مثل امریکا و آلمان  
 ب) کشورهای که اکثریتشان کاتولیک هستند. مثل اسپانیا و ایتالیا  
 ج) کشورهای که بطور نسبتاً مساوی هم کاتولیک و هم پروتستانند. مثل فرانسه و انگلستان

و بر چنین نتیجه می‌گیرد که وقتی جغرافیای جامعه غرب را بر اساس مذهب به سه دسته جغرافیائی تقسیم می‌نمائیم مشاهده می‌کنیم که تمام کشورهای پروتستان هستند از نظر اقتصادی به مرحله پیشرفت صنعتی رسیده‌اند مثل آلمان و امریکا و کشورهای که اکثریتشان کاتولیکند از نظر سرمایه‌داری و صنعت از همه کشورهای غربی عقب مانده ترند مانند اسپانیا و ایتالیا و کشورهای که هم پروتستان و هم کاتولیکند بین پیشرفت سه و عقب مانده (باتوجه به زمان وبر) قرار دارند. ۵۵

باتوجه به این تقسیم بندی روشن است که وبر سعی نمود تا نشان دهد که چگونه تغییر نگرشهای مذهبی افراد منجر به تغییرات شگرف اجتماعی و اقتصادی گشت.

پروفسور لنسکی در این مورد با اشاره به اینکه رفورم مذهبی پروتستانها رفتار و کردار و معتقدات و ارزشهای بسیاری از مردم را در قالبهای تازه‌ای ریخت می‌گوید: "مذهب پروتستان بر توسعه اقتصادی نیز تأثیر قاطعی برجای گذاشت چون اصلاح گران تأکید می‌ورزیدند که مردم باید بتوانند خود به خواندن کتاب مقدس بپردازند تا بدون هرگونه واسطه به کلام خدا دست پیدا کنند: از این نظر سوادآموزی در جامعه‌های پروتستان مفهوم تازه‌ای به خود گرفت

وبه‌جای آنکه منحصرًا "نوعی تجمل اشرافی باشد برای مردم عادی به‌صورت یک تکلیف شرعی درآمد".<sup>۵۶</sup>

### تحلیل آراء و برارز دیدگاه اندیشمندان :

برنظرات و عقاید و برادر باره اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه داری انتقاداتی وارد گشته‌است. "هانری مندارس" و "ژرژ گورویس" <sup>۵۷</sup> استادان جامعه شناسی دانشگاه پاریس عقیده دارند که بریدی — رابطوری مصنوعی و بعنوان رفتارهای فردی پراکنده از شالوده اجتماعی و وابستگی های اجتماعی آن جدا نموده‌است. اینان همچنین معتقدند که باروش بکار گرفته شده توسط و برنمی توان به دیالکتیک مذهب و دیگر آثار فرهنگی که هم از یک واقعیت اجتماعی منتج گشته اند و هم مزاده واقعیات اجتماعی دیگرند به نحو موثری برد. به بیان ایندو با توجه به نکات فوق تعجبی ندارد اگر اقدام و بر باشکست روبروشده باشد. <sup>۵۸</sup> مندراس و گورویس در انتقادی دیگر بر تحقیقات و بر دلیلی ذکر نموده‌اند. بدین صورت که " ر. ت. تاوونی " <sup>۵۹</sup> و نیز " و. ا. فانفانی " <sup>۶۰</sup> ثابت کرده‌اند که سرمایه داری در کشورهای کاتولیک و غیر پروتستان و بادر زاپن که مذهب بودائی و کنفوسیوس دارد همانقدر پیشرفته‌است که در کشورهای پروتستان. <sup>۶۱</sup>

آلویس گولدر <sup>۶۲</sup> استاد جامعه شناسی دانشگاه واشنگتن عقیده دارد که در کار و بر نیز مامی توانیم شاهد نوعی جبرگرائی همانند نظریات مارکس باشیم. او در توضیح انتقاد خود می‌گوید: فردی که تاجر است و به ناچار وارد مسابقه‌ای برای سودجویی می‌گردد، نه به این علت است که ماهیتی پول پرست دارد و نه به این علت که والاترین ارزش از نظر او بدین طریق متجلی می‌گردد بلکه دستگاه اقتصادی او اگر سودنبرد، نمی تواند به کارش ادامه دهد. <sup>۶۳</sup> گولدر در ادامه می‌گوید که نظام اجتماعی حاکم به گونه‌ای می‌گردد که شخص تاجر را وادار می‌نماید سا

استثمار نماید و یا خود نابود گردد.

بارنزوبکر<sup>۶۴</sup> عقیده دارند که آئین پروتستان برعکس نظرات وبر سبب شد که تعصبات دینی دوباره احیا گردند. ایندومعتقدند که رفورم مذهبی حتی به اندازه اومانیسزم در پیشرفت تفکر علمی موثر نیفتاده، مضافاً اینکه بارنزوبکر آئین پروتستان را در مواردی به خرافه‌گرایی شدیدتر از آنچه در آئین کاتولیک دیده می‌شود متهم می‌کنند. اینسان می‌گویند: "اکثر مورخان کنونی بر آنند که نهضت اصلاح (دینی) از لحاظ تحول دینی اهمیت چندانی ندارد بلکه از آن سبب که موجب جنبش‌های سیاسی و اقتصادی شد درخور اعتناست."<sup>۶۵</sup>

بارنزوبکر تنها امتیازی را که برای آئین پروتستان در نظر می‌گیرند این است که این آئین توانست بر ضد استبداد کلیسا برخیزد و پرده‌های فریب و ریای این مدعیان را بالا زند.

در پایان بطور خلاصه بگویم که وبراگرچه عقیده داشت که رفورم مذهبی که توسط لوتر آغاز گردید "عقلانی" شدن رفتار را به انسان آورد ولی بزعم او جهان آینده غرب بصورتی خواهد بود که انسانها خود را در میان قفسی آهنین محبوس خواهند یافت،<sup>۶۶</sup> جامعه‌ای خواهد شد که در آن دیگر جایی برای ارزش‌های اخلاقی باقی نخواهد ماند.

## منابع و یادداشتها :

- ۱- KARL RITTER
- ۲- HUMBOLT
- ۳- CH. MONTESQUIEU
- ۴- RATZELL
- ۵- جهت آگاهی بیشتر نگاه کنید به : سیراندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی - ص ۲ - ۱۲
- ۶- ELITE
- ۷- HEGEL
- ۸- NIETZSCHE
- ۹- نگاه کنید به : علم تحولات جامعه - ص ۳۵
- ۱۰- درآستانه رستاخیز - ص ۷
- ۱۱- EMERSON
- ۱۲- روش شناخت اسلام - ص ۷۵
- ۱۳- MAX WEBER
- ۱۴- PROTESTANTISM
- ۱۵- SPRIT OF CAPITALISM
- ۱۶- KARL MARX
- ۱۷- SUPER STRUCTURE
- ۱۸- برای بحثی کامل بویژه در این مورد ر. ک به : نظریه‌های جامعه‌شناسی - ص ۸۵ - ۱۲۲
- ۱۹- INFRA STRUCTURE
- ۲۰- مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی - ص ۲۴۳
- ۲۱- برای آگاهی بیشتر از جزئیات مطلب ر. ک به : زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی - ص ۳۱۲ / بحران جامعه‌شناسی غرب - ص ۲۰۴

- ۲۲- ر. ک به : آگاهی و جامعه - ص ۲۵
- ۲۳- SOCIOLOGICAL THEORY - P.133
- ۲۴- جامعه‌شناسی ماکس وبر - ص ۱۸۸
- ۲۵- IBID
- ۲۶- ر. ک به : اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری - ص ۸۴
- ۲۷- PROTESTAN ETHIC AND SPIRIT OF CAPTALISM
- ۲۸- پیشین - ص ۸۳
- ۲۹- پیشین
- ۳۰- پیدایش نظریه جامعه شناختی - ص ۲۵۷
- ۳۱- برای اطلاع بیشتر و بحث مستقیم ر. ک به : اخلاق پروتستان -  
ص ۶۱ / مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی ، ص ۲۷۴
- ۳۲- اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری - ص ۵۸
- ۳۳- ر. ک به : اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری ، ص ۵۸ / تغییرات  
اجتماعی - ص ۸۱ / مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی - ص ۵۷۳
- ۳۴- BAVARY
- ۳۵- تحولات اروپا در عصر رنسانس - ص ۱۱۶
- ۳۶- پیشین - ص ۱۱۵
- ۳۷- برای اطلاع بیشتر و بحث مستقیم ر. ک به : دیدگاه‌های جامعه‌شناسی  
درباره تغییرات اجتماعی - ص ۹۳ - ۹۸
- ۳۸- اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری - ص ۴۴
- ۳۹- MARTIN LUTHER
- ۴۰- برای اطلاع بیشتر از زندگینامه لوتر ر. ک به : تاریخ تمدن -  
صص ۱۲۸ - ۱۶۲
- ۴۱- تحولات اروپا در عصر رنسانس - ص ۱۱۵
- ۴۲- پیشین - همانجا
- ۴۳- ر. ک به : سیر جوامع بشری - ص ۳۲۲

- ۴۴- پیشین - همانجا
- ۴۵- جامعه شناسی ماکس وبر - ص ۲۱۷
- ۴۶- پیشین - ص ۲۱۸
- ۴۷- پیشین - صص ۲۱۸ - ۲۱۹
- ۴۸- ( PURITANISM ) آئین پوریتن که یکی از وجوه مذهب پروتستان بود برسه اصل تکیه داشت : ۱- چون کلیسای کاتولیک سخت دنیائی و تشریفاتی شده بود اینان براین اصل تکیه کردند که باید از تشریفات صوری کاست و تعالی معنوی را وجه همت خود ساخت
- ۲- آئین کاتولیک موافق مصالح خود به تفسیر کتاب مقدس پرداخته و مسیحیت را پیچیده و منحرف کرده است از اینرو اینان برنص صریح کتاب مقدس تکیه کردند و براین اصل اهمیت دادند که رفتار باید با تحریرات کتاب مقدس منطبق باشد. ۳- چسبون سوداگری جدید مردم را به پاره‌های کارهای ناروا مانند قاچاق می کشاند پس بازهد خواستند از معاصی ایمن باشند. ( ر. ک بسه : تاریخ اندیشه اجتماعی - ص ۳۷۳ )
- ۴۹- جامعه شناسی ماکس وبر - ص ۲۱۸
- ۵۰- JEAN CALVIN
- ۵۱- برای آگاهی بیشتر از زندگینامه کالون ر. ک به : تاریخ تمدن - ص ۱۹۶ - ۲۴۹ / تاریخ فلسفه سیاسی - ص ۹۷
- ۵۲- مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی - ص ۵۸۰
- ۵۳- ر. ک به : جامعه شناسی توسعه - ص ۱۴
- ۵۴- تاریخ فلسفه سیاسی - ص ۳۴
- ۵۵- درسهای اسلام شناسی - ص ۱۶۶
- ۵۶- سیر جوامع بشری - ص ۳۲۳
- ۵۷- HENRI MENDARAS AND GEORGES GURVITCH
- ۵۸- مبانی جامعه شناسی - ص ۴۱

نشریهء دانشکدهء ادبیات و علوم انسانی	۱۴۰
R.T. TAWNEY	۵۹-
A. FANFANI	۶۰-
۶۱- پیشین - همانجا	
ALVIN W. GOULDNER	۶۲-
۶۳- بحران جامعه شناسی غرب - ص ۲۰۶	
H.E. BARNES AND H. BECKER	۶۴-
۶۵- برای آگاهی بیشتر ر. ک به : تاریخ اندیشه اجتماعی - ص ۳۸۶-۳۶۸	
۶۶- جهت آگاهی بیشتر مخصوصاً "نگاه کنید به :	
زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی - ص ۲۱۷ / بحران	
جامعه شناسی غرب - ص ۲۱۳ .	



منابع :

- سیراندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی - دکتر یدالله فرید - انتشارات دانشگاه تبریز - سال ۱۳۷۵
- علم تحولات جامعه - حمید حمید - انتشارات امیرکبیر - سال ۱۳۵۲
- درآستانه رستاخیز - دکتر ا. ح. آریانپور - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۵۷
- مجموعه آثار شماره ۲۸ - روش شناخت اسلام - دکتر علی شریعتی - نظریه‌های جامعه‌شناسی - دکتر عبدالمعبود انصاری ، حسین ادیبی - انتشارات جامعه - سال ۱۳۵۸
- مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی - جوزف روسک - رولندوارن - ترجمه بهروز نبوی ، احمد کریمی - انتشارات کتابخانه فسروردین - تهران سال ۱۳۶۹
- زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی - لوئیس کوزر - ترجمه محسن ثلاثی - انتشارات علمی - تهران سال ۱۳۷۲
- بحران جامعه‌شناسی غرب - آلوین گولدنر - ترجمه فریده ممتاز - شرکت سهامی انتشار - تهران ۱۳۶۸
- آگاهی و جامعه - استیوارت هیوز - ترجمه عزت الله فولادوند - تهران ۱۳۶۹ - سازمان آموزش و انتشارات انقلاب اسلامی
- جامعه‌شناسی ماکس وبر - ژولین فروند - ترجمه عبدالحسیسن نیک‌گهر - نشر نیکان - تهران ۱۳۶۲
- اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری - ماکس وبر - آلمانی به انگلیسی تالکوت پارسونز - انگلیسی به فارسی دکتر عبدالمعبود انصاری - انتشارات سمت - تهران ۱۳۷۱

- پیدایش نظریه جامعه شناختی - جان اتان ترنر، ال بیگی - ترجمه دکتر عبدالعلی لهسایی زاده - مرکز نشر دانشگاه شیراز - سال ۱۳۷۱
- مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی - ریمون آرون - ترجمه دکتر بساقر پرهام - سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی - تهران ۱۳۷۲
- تغییرات اجتماعی - گی روشه - ترجمه دکتر منصور وثوقی - نشرنی - تهران ۱۳۷۲
- تحولات اروپا در عصر رنسانس - دکتر داود اصفهانیان - انتشارات دانشگاه تبریز - سال ۱۳۶۹
- دیدگاههای جامعه شناسی درباره تغییرات اجتماعی - دکتر مجید مساواتی آذر - سازمان چاپ و نشر هادی - تبریز ۱۳۷۲
- تاریخ تمدن - ویل دورانت - ترجمه سهیل آذری - کتاب ششم - بخش دوم
- سیر جوامع بشری - گرهارد ، جین لسنکی - ترجمه دکتر ناصر موفقیان - سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی - تهران ۱۳۶۹
- تاریخ اندیشه اجتماعی - بارنز، بکر - ترجمه واقتباس دکتر جواد یوسفیان ، علی اصغر مجیدی - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۷۰
- تاریخ فلسفه سیاسی - تألیف و ترجمه دکتر بهاء الدین بازارگاد - تهران ۱۳۴۸ - انتشارات زوار
- جامعه شناسی توسعه - بیان روکس بروف - ترجمه دکتر مصطفی ازکیا - نشر توسعه - تهران ۱۳۷۰
- مبانی جامعه شناسی - هانری مندارس ، ژرژ گورویچ - ترجمه دکتر باقر پرهام - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۶۹

### منبع خارجی :

- SOCIOLOGICAL THEORY - GEORGE RITZER - SECOND EDITION - NEW YORK.